





Research Paper

The Impact of British Political Culture on its Withdrawal from the European Union

Seyed Davood Aghae^{1*} , Roya Rasooli² 

¹ Corresponding Author: Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: sdaghaee@ut.ac.ir

² PhD in Regional Studies, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran.

Abstract

War weariness and destruction caused by the intensity of the two World Wars persuaded the Europeans to search for an immediate and lasting solution to bring together the allies and adversaries among the countries of Europe in a regional security arrangement. The European Union (EU) as a symbol of regional unity, cooperation and integration has faced uncertainties and instability over the years. Indeed, Brexit can be seen as the culmination of a wave of secessionist and nationalist tendencies that have challenged European integration now more than ever. The result of the referendum of 23 June of the United Kingdom (UK) sent a great shockwave across the territory covered by the EU. It was predicted that the proposal of Britain's withdrawal from the EU would be dismissed by an agreement based on David Cameron's four-point plan to renegotiate the terms of Great Britain's EU membership, but 52 percent of British voters agreed to the Brexit, and thus ended their country's 42-year membership of the European Union.

The assumption is that political culture as a part of a shared national identity of a state shape its views on national interest which in turn guide its policy preferences, policymaking, and policy implementation in the various foreign policy issue areas. In this context, our research questions are: How has British political culture influenced its orientations and policies towards the European Union? 2. To what extent will the Brexit affect the UK foreign policy towards the EU in the future? In the research hypothesis, the authors claim that British political culture with its peculiar conservative attribute has adversely affected its European foreign policy, culminating in its withdrawal from the EU. Using the theoretical framework of constructivism, they rely

* **How to Cite:** Aghae, Seyed Davood; and Roya Rasooli. (2023, Spring) "The Impact of British Political Culture on its Withdrawal from the European Union," *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 53, 1: 53-81, DOI: <https://doi.org/10.22059.JPQ.2021.273813.1007373>
Manuscript received: 16 January 2019; final revision received: 1 November 2022; accepted: 24 April 2023, published online: 14 June 2023



on the method of conceptual content analysis to examine official statements made by the British leadership and discuss the findings of referendum and public opinion surveys related to Brexit to find answers to the research questions.

Britain is one of the victorious countries in the Second World War, has an imperial background and is an island-state located on the periphery of the European continent— all these factors have influenced British politics to this day. The perception of being a powerful country with a rich history has had a significant impact on the foreign policy behaviors of the UK, and consequently has contributed to the unwillingness of British policymakers to commit their country to the ideas and actions which might diminish its role and standing in the international system. Today, as an island nation cut off from the continental Europe, England together with its much smaller overseas territories around the world, represents only a small fragment of a former empire that disintegrated a long time ago, but most British people evidently are unwilling to forget the glory of its past. Accordingly, the UK has not yet completed its process of full decline and has aspiration of somehow regaining its hold on its vast former colonies and dependent territories. It is a contradiction that needs to be examined closely. Its national identity is muddled because of how the British political elites and ordinary citizens view their country's standing in the world today. They perceive the UK as a greater power than it really is.

The results of Brexit referendum indicated that most British public and political elites believed that their country would be in a more favorable position if it were to be less involved in the mainland Europe. As a result, they accepted the Brexit which reflected some kind of self-interested isolationism and a desire to leave Europe's problems to the rest of the EU members. Here, selective isolationism refers to a preference to disassociate the UK from the EU crises which might require coordinated policies to deal with unusual situations. Interestingly, this type of isolationism does not include issues related to the Britain's interests in the Middle East and similar non-European issues which do not impose disproportionate financial burden on the country. Therefore, the UK continues to increase its political power by walking alongside the powerful European players if the collective security arrangement does not limit its freedom of action to pursue its own foreign policy objectives and priorities. British political culture has had a significant impact on the formulation of this country's foreign policy towards the EU. However, Brexit does not mean that this former imperial power has abandoned its efforts to reach the position of a great power with the ability to influence world politics.

Keywords: Brexit, Constructivism, European Union, Political Culture, United Kingdom

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



تأثیر فرهنگ سیاسی بریتانیا بر خروج از اتحادیه اروپا

سید داود آقایی^۱، رویا رسولی^۲

^۱ نویسنده مسئول: استاد گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sdaghaee@ut.ac.ir
^۲ دانش‌آموخته دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

خستگی و آسیب‌های ناشی از جنگ‌های جهانی، اروپا را بسان بیماری رو به مرگ تبدیل کرد، اما راه چاره بی‌درنگ در تلاش برای همگرایی کشورهای دوست و دشمن اروپا در سازوکاری منطقه‌ای جست‌وجو شد. اتحادیه اروپا به‌عنوان نماد وحدت، همکاری و همگرایی با گرایش‌های واگرایانه و گریز از مرکز روبه‌رو شده و برگزیت را می‌توان نقطه اوج موج گرایش‌های جدایی‌طلبانه دانست که همگرایی اروپا را بیش‌ازپیش به چالش کشیده است. نتیجه همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ از انگلیسی‌ها شوک بزرگی به اتحادیه اروپا وارد کرد. پیش‌بینی می‌شد که پرونده خروج بریتانیا از این اتحادیه، با تلاش‌های دیوید کامرون و اخذ امتیازهای چهارگانه بسته شود، اما ۵۲ درصد رأی‌دهندگان بریتانیایی با انتخاب برگزیت با پایان بخشیدن به عضویت ۴۲ ساله کشور خود در اتحادیه اروپا موافقت کردند. در این زمینه پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه رویکردها و جهت‌گیری‌های بریتانیا در برابر اتحادیه اروپا از فرهنگ سیاسی این کشور تأثیر پذیرفته و یا خواهد پذیرفت؟ برپایه این استدلال که فرهنگ سیاسی به‌عنوان بخشی از هویت ملی و سیاسی کشورها، تعیین‌کننده تعریف و دیدگاه‌های ویژه آنان درباره منافع ملی است که به برساخت کنشگری ویژه در عرصه سیاست خارجی منجر می‌شود، در فرضیه پژوهشی بیان می‌شود که فرهنگ سیاسی بریتانیا به شکل محافظه‌کارانه‌ای بر سیاست واگرایی آن از اتحادیه اروپا تأثیرگذار بوده است. برای تبیین پدیده برگزیت، و شناخت رابطه بین فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی بریتانیا در برابر اتحادیه، از روش تحلیل رویدادهای تاریخی و بیانه‌های رسمی مقام‌های دولتی و نیز بررسی یافته‌های همه‌پرسی‌ها و نظرسنجی‌های مرتبط با برگزیت، و از چارچوب نظری سازه‌انگاری استفاده شد. نوع فرهنگ و به‌ویژه فرهنگ سیاسی مردم بریتانیا در شکل‌گیری سیاست واگرایانه این کشور درباره اتحادیه تأثیر بسزایی داشت. با وجود برگزیت، این کشور همچنان در تلاش برای رسیدن به جایگاه یک قدرت بزرگ تأثیرگذار بر سیاست جهانی بوده است.

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اروپا، برگزیت، بریتانیا، سازه‌انگاری، فرهنگ سیاسی

* استناد: آقایی، سید داوود؛ رسولی، رویا (۱۴۰۲، بهار) «تأثیر فرهنگ سیاسی بریتانیا بر خروج از اتحادیه اروپا»، فصلنامه

سیاست، ۵۳: ۱، ۵۳-۸۰
DOI: 10.22059.JPQ.2021.273813.1007373

تاریخ دریافت: ۲۶ دی ۱۳۹۷، تاریخ بازنگری: ۱۰ آبان ۱۴۰۱، تاریخ تصویب: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۴ خرداد ۱۴۰۲



۱. مقدمه

«همه ما باید به رویدادهای هراس‌انگیز گذشته پشت کنیم و به سوی آینده خیره شویم. اعضای خانواده کشورهای اروپایی باید به یکدیگر اعتماد کنند، چراکه اروپا بدون آلمان زنده نمی‌ماند. من از فرانسه می‌خواهم گذشته خود را با آلمان فراموش کند. تدبیری وجود دارد که می‌تواند معجزه‌وار اوضاع را متحول و اروپا را آزاد و رستگار سازد. ما بایستی ایالات متحده اروپا را به وجود آوریم؛ پس اروپا برخیز» (Churchill, 1948; as cited in Young, 1985: 927). این بخشی از سخنرانی چرچیل در ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۶ در زوریخ بود که مورخان آن را به‌عنوان جرقه تشکیل «اتحادیه اروپا» در نظر گرفتند. با وجود اعلامیه چرچیل مبنی بر همکاری، بریتانیا از بدو ورود به اتحادیه اروپا سیاست‌های مستقل و تکرار را در پیش گرفت تا جایی که از آن با عنوان «عضو ناسازگار» یا «وصله ناجور» یاد می‌شد.

انگلیس آخرین کشوری بود که به بسیاری از قراردادها و پیمان‌های دسته‌جمعی اتحادیه اروپا پیوست. این کشور هیچ‌گاه به عضویت شنگن و اتحادیه پولی اروپا درنیامد و به پول ملی خویش (پوند) وفادار ماند و در حوزه‌های مختلف اتحادیه از جمله تنظیم بودجه، سیاست کشاورزی مشترک و ابعاد اجتماعی همراه نشد و تا زمان نخست‌وزیری تونی بلر به سیاست‌های اجتماعی اتحادیه اروپا مندرج در پیمان ماستریخت ملحق نشد و در نهایت انتخاب برگزیت^۱ (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰) نیز پرده‌بردار حقیقتی بود که چرچیل بیان کرد: «ما با اروپا هستیم، اما نه از آن. ما مرتبط هستیم، اما شامل نمی‌شویم. ما علاقه‌مندیم، اما شیفته نشده‌ایم» (Churchill, 1948; as cited in Young, 1985: 928).

همه‌پرسی ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ شوک بزرگی در اتحادیه اروپا بود. اگرچه پیش‌بینی می‌شد که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، با اخذ برخی امتیازها از آن متفی شود، مردم استدلال‌های دیوید کامرون مبنی بر ماندن در اتحادیه را نپذیرفتند و ۵۲ درصد رأی‌دهندگان با انتخاب برگزیت به عضویت ۴۲ ساله خود در اتحادیه پایان بخشیدند (Clarke and et al., 2017: 440). (443 خروج انگلیس از اتحادیه اروپا چشمگیر است، زیرا می‌تواند زمینه‌ساز خروج سایر کشورهای عضو باشد و این احتمال وجود دارد که سایر کشورهای عضو این اتحادیه نیز درصدد مذاکره دوباره با اتحادیه اروپا درباره شروط عضویت خود برآیند. اگر تکاپوی خروج کشورهای اروپایی از اتحادیه با همین سرعت ادامه پیدا کند، برخی پیش‌بینی می‌کنند که تا چند سال دیگر، اثری از آن نخواهد ماند.

پژوهش پیش‌رو از دیدگاه نظری سازه‌نگارانه تلاش برای علت‌یابی و ریشه‌کاوی پدیده برگزیت دارد. با هدف شناخت بهتر عوامل تأثیرگذار بر برگزیت، پرسش پژوهشی زیر مطرح

می‌شود: چگونه فرهنگ سیاسی بریتانیا بر رویکردها و جهت‌گیری‌های این کشور در برابر اتحادیه اروپا تأثیر داشته و یا خواهد داشت؟ بر پایه این استدلال که فرهنگ سیاسی به‌عنوان بخشی از هویت ملی و سیاسی کشورها، تعیین‌کننده تعریف و دیدگاه‌های ویژه آنان درباره منافع ملی است که به برساخت کنشگری ویژه در عرصه سیاست خارجی منجر می‌شود، در فرضیه پژوهشی مورد آزمون بیان می‌شود که فرهنگ سیاسی بریتانیا به شکل محافظه‌کارانه‌ای بر سیاست واگرایی آن از اتحادیه اروپا تأثیرگذار بوده است. برای تبیین پدیده برگزیت و شناخت رابطه بین فرهنگ سیاسی و سیاست خارجی بریتانیا در برابر اتحادیه، از روش تحلیل رویدادهای تاریخی و بیانیه‌های رسمی مقام‌های دولتی و نیز بررسی یافته‌های همه‌پرسی‌ها و نظرسنجی‌های مرتبط با برگزیت استفاده شد. نوع فرهنگ و به‌ویژه فرهنگ سیاسی مردم بریتانیا در شکل‌گیری سیاست واگرایانه این کشور درباره اتحادیه تأثیر بسزایی داشت. با وجود برگزیت، این کشور همچنان در تلاش برای رسیدن به جایگاه یک قدرت بزرگ تأثیرگذار بر سیاست جهانی بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

به‌نظر می‌رسد پژوهش در موضوع فرهنگ سیاسی و بررسی تأثیر آن بر پدیده‌های جاری بین‌المللی همواره با خلأ بزرگی در مطالعات سیاسی و اجتماعی روبه‌رو بوده است. شاید دلیل اصلی این مسئله را باید در پیچیدگی‌ها و اختلاف‌نظرهای اندیشمندان در تعیین شاخص‌ها و سنجه‌های اندازه‌گیری و شناخت فرهنگ سیاسی و همچنین به‌طور کلی در پیچیدگی‌های مفهومی «فرهنگ» جست‌وجو کرد. در نو بودن موضوع این پژوهش تردیدی نیست، زیرا کتاب، مقاله و حتی دست‌نوشته‌ای که به‌طور مستقیم تأثیر فرهنگ سیاسی این کشور را بر برگزیت بررسی کرده باشد، وجود ندارد. با این حال، شمار کمی از اندیشمندان موضوع فرهنگ سیاسی را وجهه همت خود قرار داده‌اند که تنها به دو مورد مهم آن اشاره خواهد شد. ایرج رودگر، در اثری با عنوان *نظریه فرهنگ سیاسی: ریشه‌های منازعه در نظام بین‌الملل*، درباره اهمیت فرهنگ سیاسی و تأثیر آن بر سیاست بیان می‌کند که ما وارد دوره جدیدی از روابط دولت‌ها در نظام بین‌الملل شده‌ایم که به‌دلیل ابهام در مفهوم و به‌هم‌پیوستگی رویدادها و پیچیدگی روابط هنوز نتوانسته‌ایم نامی برای آن انتخاب کنیم. دوری ترکیه از غرب و همجواری با روسیه، نزدیکی ایران به چین و افزایش پوپولیسم، انزوا و قطبی شدن جامعه امریکا و تنش‌های چشمگیر در روابط امریکا و چین و غیره از جمله مسائل مهمی است که منازعات بسیاری را در برداشته است. وی معتقد است که «منبع اساسی درگیری‌های آینده نه مناقشات مرزی خواهد بود، نه رقابت‌های اقتصادی، نه اختلافات ایدئولوژیک و نه تغییر رهبری در جهان، بلکه فرهنگ سیاسی منبع غالب درگیری‌ها در جهان است» (Roudgar, 2021).

21) این کتاب از آنجایی که به منظور شناسایی ماهیت و میزان فرهنگ سیاسی و تأثیر آن بر تعارض در روابط بین‌الملل انجام گرفته است، می‌تواند دید خوبی نسبت به یکی دیگر از مناقشات جهان یعنی مناقشه میان بریتانیا و اتحادیه اروپا بدهد، اما به‌طور مستقیم مورد استفاده پژوهش پیش رو قرار نمی‌گیرد.

در فرهنگ سیاسی در بریتانیای معاصر: مردم، سیاستمداران، اصول و کاربرد، ویلیام میلر و همکارانش در تلاش برای پاسخگویی به این پرسش هستند که چگونه بریتانیایی‌ها و سیاستمداران‌شان درباره اصول و ایده‌های بنیادین سیاست می‌اندیشند. این تحلیلگران تأثیر پس‌زمینه اجتماعی، تجربه شخصی و نهادها را بر رویکرد مردم نسبت به اصول سیاسی، بررسی می‌کنند و به‌طور ویژه به تأثیر سن و عوامل پیچیده آموزشی و مذهبی، تأکید می‌ورزند. همچنین نشان می‌دهند که چگونه استدلال‌ها و تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا)^۱ به‌همراه اصول سیاسی و وفاداری حزبی بر نگرش در مورد مسئله‌ای ویژه اثر می‌گذارند (Miller and et al., 1996). این نوشتار با توجه به اینکه اطلاعات خوبی را در مورد نگاه و نگرش مردم انگلیس نسبت به نهادهای سیاسی کشورشان نشان می‌دهد، کاری در نوع خود با ارزش است. گرچه مورد استفاده مستقیم این پژوهش قرار نمی‌گیرد، چراکه فرض می‌شود بررسی فرهنگ سیاسی یک کشور، پژوهشی از نوع کیفی است و چه بسا نتوان آن را کمی کرد.

۳. چارچوب نظری پژوهش

پیرو تلاش‌های عملی در راستای ایجاد اتحادیه اروپا و همگرایی بیشتر آن، موج‌های نظری نیز در مورد همگرایی اروپایی رواج یافت. حرکت همزمان تلاش‌های عملی و نظری به بلوغ همگرایی اروپایی کمک شایانی کرد. نظریه‌هایی چون فدرالیسم، کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، نونهادگرایی، بین‌دولت‌گرایی که هر کدام با تأکید بر پاره‌ای از رخدادها سعی دارند تا چرایی، چگونگی و نتایج این فرایند را واکاوی کنند. با وجود این به‌نظر می‌رسد این رویکردها تنها در برهه‌ای از زمان قادر به تبیین همگرایی در اتحادیه اروپا بوده‌اند و به شرایط ایجاد همگرایی اروپا پرداخته و کمتر موانع همگرایی را بررسی و چاره‌اندیشی کرده‌اند. به همین دلیل نیز هیچ‌یک از این نظریه‌ها قادر به تبیین و توجیه خروج انگلستان از اتحادیه اروپا که موجب معکوس شدن سیر و روند همگرایی اروپایی شده است، نبوده‌اند. در نتیجه باید به‌دنبال نظریه‌ای بود که در عین توضیح همگرایی، پاسخی درخور برای پدید آمدن و حرکت به‌سوی کمال جریان‌های واگرایانه بیابد. نگارنده بر آن است تا با استفاده از دیدگاه سازه‌انگاری^۲ و

1. Propaganda
2. Constructivism

ورود به دنیای فرهنگ سیاسی بریتانیا در بازشناسی مسیر سیاست خارجی آن به تبیین پدیده برگزیت پردازد. سازه‌انگاران برای تبیین و فهم همگرایی و منطقه‌گرایی در روابط بین‌الملل، مجموعه‌ای از متغیرها و معیارهایی را مطرح می‌کنند که برای ژرفایش، گسترش و نهادینه شدن منطقه‌گرایی بسیار مهم‌اند و وقوع برگزیت از این دریچه درک‌شدنی است.

- نخستین متغیر در راستای گسترش همگرایی، داشتن هنجارها، ایده‌ها و انگاره‌های شناختی مشترک است (Christiansen and *et al.*, 2001). همگرایی اروپایی با رویه‌ها و شناخت بین‌الذهانی میان کنشگران صورت گرفته است، و بر نقش بسزای هنجارها و اصولی که اعضای اتحادیه اروپا آن را درونی ساخته‌اند، توجه می‌کنند.

- دومین متغیر، نیل به هویت جمعی است. این هویت موجد تمایل‌های انگیزشی و رفتاری است و به رفتار و منافع کشورها سمت‌وسو می‌دهد (Aghai and Rasooli, 2009: 3). برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند که با وجود گذشته‌های تلخی همچون جنگ‌ها، انقلاب‌ها و نابسامانی‌های پیشین نمی‌توان انتظار ایجاد هویت جمعی را داشت، اما برخی دیگر، وجود این خاطرات مشترک را لازمه تشکیل هویت واحد اروپایی می‌دانند.

- سومین متغیر، یادگیری اجتماعی و اقناع است که می‌تواند سبب شکل‌گیری شناخت بین‌الذهانی میان بازیگران شود. بازیگران با درونی ساختن شبکه‌ها و دستور کارها و نهادهای رسمی به تدریج می‌آموزند که نسبت به یکدیگر احساس تهدید نداشته باشند و خود را به‌عنوان یک «ما» تعریف کنند، در نتیجه به سمت همکاری و همگرایی کشیده شوند (Hopf, 1998: 191).

- چهارمین متغیر تأکید بر نهادسازی است. سازه‌انگاران بر این باورند که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، قوام‌بخش هویت دولت‌ها و منافع آنها هستند (Sazemand, 2009: 80) و می‌توانند سبب توسعه اعتمادسازی و یادگیری اجتماعی شوند.

۴. همه‌پرسی ۲۰۱۶؛ سیاست واگرایانه انگلیس در برابر اتحادیه اروپا

در ژوئن ۲۰۱۶، بریتانیا یکی از معدود همه‌پرسی‌های تاریخ بریتانیا را برگزار کرد. چنین رأی‌گیری تک‌موضوعی پیشتر تنها دو بار اجرا شده بود. به‌تازگی در مورد روش رأی‌گیری پارلمانی در ۲۰۱۱ و پیش از آن، در ۱۹۷۵ و به‌منظور نظرسنجی درباره پیوستن به جامعه اقتصادی اروپا؛ که بریتانیایی‌ها با ۶۷/۲ درصد خواهان ماندن در جامعه اقتصادی اروپا شدند (Aqui, 2019: 1-18). این نخستین دوره تاریخی به‌شمار می‌آید که اکثریت اعضای محافظه‌کار

در پارلمان انگلیس خواستار خروج این کشور از اتحادیه اروپا بودند و حتی اعضای کابینه به‌طور آشکار این احتمال را بررسی کردند (Aqui, 2019).

دیوید کامرون پیش از برگزاری همه‌پرسی تلاش کرد تا مردم کشورش را به ماندن در اتحادیه اروپا متقاعد کند و در این زمینه بیان کرد: «افرادی که با خروج انگلیس از اتحادیه اروپا موافق‌اند آیا تصور می‌کنند که با خروج وضع بهتری خواهیم داشت؟ بدون شک پاسخ منفی است. اگر از اتحادیه اروپا خارج شویم، از همه جدا خواهیم شد. وقتی از بازار اروپا حرف می‌زنیم، صحبت از ۵۰۰ میلیون نفر است که بزرگ‌ترین بازار جهان را تشکیل می‌دهد» (Clarke and et al., 2017: 440-443). بالأخره شهروندان بریتانیا (انگلستان، اسکاتلند و ولز و ایرلند شمالی که بیشتر به‌عنوان بریتانیای کبیر نامیده می‌شوند)، در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ در همه‌پرسی تاریخی شرکت کردند. پرسش درباره رأی‌گیری ساده بود: «آیا باید بریتانیا عضو اتحادیه اروپا باشد یا اتحادیه اروپا را ترک کند؟» ۵۲ درصد رأی‌دهندگان به خروج و ۴۸ درصد به ماندن رأی دادند. بیش از ۳۰ میلیون نفر در این همه‌پرسی مشارکت داشتند که بالاترین میزان رأی‌دهندگان در انتخابات انگلیس از زمان انتخابات عمومی ۱۹۹۲ بود (Clarke and et al., 2017: 440-443). با توجه به نتایج و آمارهای به‌دست‌آمده در نظرسنجی‌ها، ۶۶ درصد از طرفداران ماندن در اتحادیه ۱۸ تا ۲۴ ساله و ۳۴ درصد آنها نیز ۲۵ تا ۴۹ ساله بودند و در مقابل ۵۸ درصد موافقان خروج، ۵۰ تا ۶۴ ساله و ۶۲ درصد آنها نیز بالای ۶۰ سال بودند. به‌طور کلی، جوانان واجد شرایط و ساکنان شهری رأی به ماندن و افراد مسن‌تر و ساکنان فقیر روستایی رأی به خروج دادند (Portes, 2016: 14-18).

در مجموع جوانان بیش از سالمندان، شرکت‌های بزرگ و چندملیتی بیش از شرکت‌های کوچک، مردم لندن - به‌دلیل شمار زیاد مهاجران در آن - بیش از سایر کلان‌شهرها، اسکاتلندی‌ها و ایرلندی‌ها و ولزی‌ها بیش از انگلیسی‌ها، حزب کارگری‌ها بیش از طرفداران احزابی چون حزب محافظه‌کار و یوکیپ، افرادی که دارای ریشه مهاجرتی بودند بیش از سایر افراد، متمایل به حضور در اتحادیه بودند (Agha Mohammadi, 2016: 18). جالب آن است که در همه‌پرسی ۱۹۷۵، کسانی که در اسکاتلند زندگی می‌کردند، حامیان حزب کارگر و کسانی که گرایش چپ داشتند، مانند خوانندگان دیلی میرر، مؤلفه‌های قوی رأی ضد بازار مشترک بودند (Aqui, 2019: 1-18).

نتیجه همه‌پرسی برگزیت شوک بزرگی بر سیاست انگلستان وارد کرد (Salehi and et al., 2018: 109). نخستین پیامد این همه‌پرسی کناره‌گیری و استعفای نخست‌وزیر بریتانیا، دیوید کامرون از سمت خود بود. نخست‌وزیر جدید بریتانیا، ترزا می در ۲۹ مارس ۲۰۱۷ همزمان با روی کار آمدن، از آغاز روند خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (سازوکار ماده ۵۰

معاهده لیسبون) خبر داد که این نشان از پشتکار و عزم ظاهری دولت بریتانیا برای خروج از اتحادیه اروپا داشت. سرانجام خانم ترزا می به وعده خود عمل کرد و در ۲۹ مارس ۲۰۱۷ با اعلام خروج بریتانیا به اتحادیه اروپا فرایند خروج را آغاز کرد. سه سال و نیم پس از این همه‌پرسی، در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ انگلیس به‌طور کامل اتحادیه اروپا را ترک کرد. خروجی‌ای که توانست تأثیر شگرفی بر معادلات قدرت در اروپا و جهان داشته باشد (Stewart and et al., 2018).

۵. مؤلفه‌های سازنده فرهنگ سیاسی بریتانیا و تأثیر آن بر خروج از اتحادیه اروپا

۵.۱. مقدمه‌ای بر فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی در واقع توزیع ویژه‌ای از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است که هم بر رفتار شهروندان و هم رهبران و حاکمان تأثیر می‌گذارد. با این حال، فرهنگ سیاسی معنای مستقل و درون‌زادی ندارد، بلکه تابع متغیرها و عواملی است. عوامل زمینه‌ساز و بسترهای فرهنگ سیاسی در یک کشور متعددند، از یک جهت باورها، ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده، سنت‌ها، آداب و رسوم دینی نقش‌آفرین صورت‌بندی فرهنگ سیاسی‌اند و از جهتی دیگر نظام سیاسی حاکم در گذشته و تاریخ سیاسی آن کشور، موفقیت‌ها، شکست‌ها و حتی جغرافیای سیاسی، موقعیت راهبردی و اقتصاد سیاسی و فرهنگ‌های تأثیرگذار خارجی و تهاجم فرهنگی بستر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی است.

در تأکید بر تفاوت‌های میان فرهنگ‌های سیاسی از معیارهای ویژه‌ای دربرگیرنده موارد زیر استفاده می‌شود: الف) ارزش‌های مسلط در نظام سیاسی (برای نمونه، فرهنگ سیاسی امریکا و سایر فرهنگ‌های دموکراتیک، انسان را در مقام فرد دارای ارزش غایی تلقی می‌کنند و احترام به حقوق بشر را اساس هر دستور کار سیاسی می‌دانند، درحالی‌که در رژیم‌های کمونیستی و رژیم‌هایی دستوری به‌طور کل، اولویت بر مجموعه‌ها، منافع عمومی و نه شخصیت فردی تعلق می‌گیرد؛ ب) ساختار اقتصادی که بر اساس آن فرهنگ‌های سیاسی سرمایه‌داری، سوسیالیستی و مختلط شکل گرفتند؛ ج) ساختار جغرافیایی (فرهنگ سیاسی کشورهای بسته و قاره‌ای یا جزیره‌ای) یا شرایط اقلیمی (کشورهایی با آب‌وهوای گرم، معتدل و سرد؛ د) معیارهای تاریخی (کشورهایی با سنت‌های دولتی هزارساله و کشورهایی با پیشینه زندگی سیاسی کوتاه‌تر، کشورهای مستعمره فرانسه، کشورهای مستعمره بریتانیا یا پرتغال و غیره) (Iovan, 2015:35-37). در ادامه، به بررسی فرهنگ سیاسی بریتانیا و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن خواهیم پرداخت.

۵.۲. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ سیاسی بریتانیا و تأثیر آن بر برگزیت

۵.۲.۱. تاریخ پرشکوه بریتانیا

از نگاه سازه‌انگاران تجربه‌های تاریخی یک ملت و رهبرانش از بهترین منابع برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها به‌شمار می‌آید (Khorasani, 2008: 123). آنچه باعث تفاوت در فرهنگ سیاسی کشورها و در نتیجه سیاست خارجی آنها می‌شود، ریشه در ذهنیت‌های متفاوتی دارد که به‌صورت متفاوتی در میان مردمان این سرزمین‌ها به‌وجود آمده است. بریتانیایی‌ها پیشینه تاریخی متفاوتی از دیگر کشورهای اتحادیه اروپا دارند. تاریخ بریتانیا همواره متفاوت از قدرت‌های قاره‌ای بوده است. بریتانیا امپراتوری بزرگی داشت که آفتاب در سرزمین‌هایش غروب نمی‌کرد و نگین حلقه کشورهای مشترک‌المنافع^۱ در سده بیستم بود (Idowu, 2009: 12). بریتانیا با تاریخ پرشکوه خود، بزرگ‌ترین امپراتوری جهانی، صاحب انقلاب صنعتی، پیروز جنگ‌های جهانی نگاه بالاتر و برتری نسبت به جایگاه خود در نظام بین‌الملل دارد، و در نتیجه ادغام با سایرین را همواره لطمه‌ای به پرستیژ خود ارزیابی کرده است و به همین دلیل نیز ورود به روند نهادگرایی اروپایی با توجه به نقش جهانی پیشین آنها چندان جذابیتی نداشت. با چنین نگاهی به تحولات بین‌المللی و به‌ویژه مسائل اروپا، حزب محافظه‌کار دید حسرت‌باری نسبت به گذشته بریتانیا دارد و خود را در امپراتوری آن کشور به شکل مستقیم دخیل می‌بیند (Mousavizadeh, 2013: 385). همین مسئله موجب شد تا حزب محافظه‌کار به رهبری دیوید کامرون، ماندن یا خروج از اتحادیه را به همه‌پرسی بگذارد، زیرا برگزیت به گفتمان هویتی کمک می‌کند تا انگلستان نه تنها بار دیگر امپراتوری را احیا کند، بلکه به مستعمرات پیشین ماهیت روابط خود با لندن را نیز یادآوری کند.

۵.۲.۲. شکوه عصر استعمار و آمال کنونی آن

نگاه حسرت‌آمیز به شکوه عصر استعمار همواره بخشی از ذهنیت قدرت‌های استعمارگر است و نوعی معنا و هویت را تولید می‌کند. از این منبنا، به لحاظ تاریخی امپراتوری بریتانیا نخستین امپراتوری واقعی جهانی بود که بیش از دو قرن در مناطق خاورمیانه، جنوب آسیا (هند)، آسیای شرقی، آفریقا و امریکای شمالی و لاتین حضور استعماری داشته است. آنها به‌تنهایی موفق شده بودند خورشید را بر فراز قلمروشان همواره زنده نگه‌دارند. از این‌رو پذیرش مسئولیت اتحادیه اروپا برای لندن نیز دشوار بوده است، زیرا با پذیرش این مسئولیت باید سیاست خارجی خود را با استانداردهای اتحادیه تنظیم کند؛ پس ترجیح داده است با خروج از این نهاد، با فراغ‌بال به ماجراجویی‌های خود در ورای مرزهای اروپا ادامه دهد. اگرچه توجیه آنها برای خروج از اتحادیه بحث‌های مربوط به زیان‌های جهانی شدن و حمایت اتحادیه از موج مهاجران و مسائلی از این دست است، حقیقت چیز دیگری است. در واقع فرهنگ

سیاسی بریتانیا تا اندازه‌ای وامدار پیشینه استعماری‌شان است و آرزوهای جهان‌گستری خود را در قالب برگزیت نشان دادند.

۵.۲.۳. یادمانه؛ شکوه حسرت‌بار گذشته

یادمانه (نوستالژی)^۱ یا افسوس گذشته مفهومی مهم در بحث‌های هویتی و سیاسی معاصر است (Nazari, 2020: 201)؛ یک احساس غم‌انگیز و حسرت‌بار همراه با شادی به اشیاء، اشخاص و موقعیت‌های گذشته. به‌طور کلی، یادمانه وفاداری تاریخ و خاطره انسان‌ها را به ارزیابی مشترک از زمان حال وادار می‌کند. این‌ها با همدیگر می‌توانند نسل‌ها را به هم مرتبط کنند و موجودیت آن را به فرهنگ کشورها پیوند بزنند (Gaston and Hilhorst, 2018). بر این مبنای، گذشته بریتانیا به‌عنوان یک کشور جزیره‌ای کوچک با سنت تاریخی غنی، تعهد به حفظ و آگاهی از انزوای جغرافیایی خود، به شکل محسوسی ادامه یافته تا به هویت مدرن خود شکل دهد. در نگاه یک بریتانیایی، این «سرزمین سبز و دلپذیر» آبخشور ارواح تاریخ است و همان‌طور که جورج اورول^۲ اشاره کرد، «ماهیت مستمر هویت ملی ما که به آینده و گذشته امتداد می‌یابد»، منعکس می‌شوند (Jolivett, 2017).

در واقع بریتانیایی‌ها به گذشته خود می‌چسبند، زیرا در تاریخ پرفرازونشیبشان، معیار شخصیت خود و هدف تعیین‌کننده خود را به‌عنوان مردمی کوچک و نجیب‌زاده می‌بینند. در همین زمینه، در نظرسنجی انجام‌گرفته در ۲۰۱۴، ۵۹ درصد بریتانیایی‌ها تاریخ استعماری خود را عرصه‌ای برای افتخار دانسته‌اند. به‌طور کلی، امپراتوری و هویت انگلیسی دو عنصر مهم - اگر نگوئیم جامع - پیام‌های پویا برگزیت را تشکیل می‌دهند. برخی دیگر فراتر می‌روند و رأی برگزیت را لحظه‌ای در تاریخ سیاسی می‌دانند که گواهی قطعی بر قدرت سیاسی نوستالژی است؛ نتیجه‌ای که بدون آن به‌دست نمی‌آمد (Gaston and Hilhorst, 2018: 180). در مجموع، احساس نوستالژیک‌گونه در ساختمان فکری و فرهنگ سیاسی انگلیسی‌ها بسیار قوی است و درباره این مهم، می‌توان خروج از اتحادیه اروپا را درک کرد. در حقیقت، همه آنانی که به نفع خروج از اتحادیه اروپا رأی دادند، با ملاک قرار دادن گذشته شکوهمند خویش، ماندن در اتحادیه را خلاف ارزش‌ها و شکوه مثال‌زدنی کشورشان می‌دانستند. شوق بازگشت به گذشته و کسب استقلال در افکار عمومی مردم بریتانیا آنچنان قوی بود که شهروندان متوجه پیامدهای سیاسی و اقتصادی جدایی از آن نبودند.

1. Nostalgia
2. George Orwell

۵.۲.۴. هویت بریتانیایی و خاص‌بودگی جامعه

یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر فرهنگ سیاسی یک ملت، هویت است. اینکه «ما که هستیم و چگونه خود را تعریف می‌کنیم»، در درکمان نسبت به دولت و نظام بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است. دیزمدرانو^۱، بر این باور است که تصور خاص کشورهای اتحادیه اروپا به‌شدت ریشه‌های فرهنگی دارد که در فرهنگ ملی و فرو ملی پرورده می‌شود (Medrano, 2021). به‌طور کلی، در بریتانیا سه رویکرد به مسائل هویتی وجود دارد: گروه نخست کسانی هستند که بریتانیایی بودن را زیر درفش ملاحظیات مدنی و قومی می‌بینند. برای این گروه بریتانیایی بودن وابسته به ویژگی‌هایی است که یا می‌توان به آنها دست یافت (مانند انگلیسی صحبت کردن) و یا دربرگیرنده مواردی می‌شود که بیشتر اعطایی هستند (مانند تولد در انگلستان)؛ گروه دوم، هویت بریتانیا را تنها در پرتو عوامل مدنی می‌فهمند و قومیت‌ها را مهم نمی‌بینند. در نهایت، یک گروه بسیار کوچک وجود دارد که هویت بریتانیایی را نه از دیدگاه قومی می‌بینند و نه مدنی (Kiss and Park, 2014:36). نبود دلبستگی به‌ویژه در میان افراد جوان‌تر، به‌ویژه کسانی که در ۱۶ تا ۳۴ سالگی قرار دارند، و در میان جوانان متولد خارج از کشور و حاشیه‌نشینان اقتصادی موج می‌زند (Shi, 2008:112).

در این باره با پژوهش‌هایی در سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۶ میزان گرایش به هویت بریتانیایی در اسکاتلند، انگلستان و ولز بررسی شده و یافته‌های این پژوهش‌ها نشان داد که میزان گرایش به هویت بریتانیایی طی سه دهه اخیر به افول نهاده است. در ولز و اسکاتلند گرایش به انتخاب هویت جداگانه اسکاتلندی و ولزی به نسبت هویت بریتانیایی درصد بالاتری را به خود اختصاص داد، ولی در انگلستان، هویت بریتانیایی ریشه‌های عمیق‌تری داشت و تا ۲۰۰۵ در انگلستان، انتخاب‌کنندگان هویت بریتانیایی را بیش از هویت انگلیسی مورد توجه قرار داده‌اند. آمارها نشان داده است که قوی‌ترین محرک در مورد احساس دلبستگی و تعلق به بریتانیا، سن است. هرچه افراد جوان‌تر باشند، میزان دلبستگی و غرور بریتانیایی در آنها کمتر است. بنابراین با افزایش سن پاسخ‌دهندگان، میزان دلبستگی به هویت بریتانیایی بیشتر می‌شود و گروه‌های جوان‌تر از سطح دلبستگی کمتری برخوردارند (Heath and Roberts, 2008:84-87). در خصوص برگزیت و میزان رأی گروه‌های سنی مختلف در بریتانیا، بسیار روشن است که رأی قشر میانسال و پیر بر رأی نوجوانان و جوانان غلبه کرد که از آن با عنوان غلبه رأی توده بر رأی نخبه یاد می‌شود (Ajili and Falahi Barzegi, 2017:11). درباره احساس تعلق و وابستگی به بریتانیایی بودن، مطالعات مربوط به برگزیت به عاملیت محل تولد افراد نیز اشاره‌هایی جدی شده است. در میان مهاجران، متولدین پاکستان تعلق خاطر بیشتری نسبت به

بریتانیا دارند و به نظر می‌رسد کسانی که در مناطق دیگر متولد شده و سپس به بریتانیا مهاجرت کرده‌اند، کمتر به بریتانیا احساس تعلق دارند (Heath and Roberts, 2008). در زمینه دین نیز باید گفت که مسیحیان تمایل بیشتری نسبت به تعلقات بریتانیایی دارند، در حالی که مسلمانان و اعضای مذاهب دیگر احتمال کمتری دارد که به بریتانیا احساس تعلق داشته باشند. همچنین افرادی که به هیچ دینی تعلق ندارند، وابستگی کمتری به هویت بریتانیایی نشان می‌دهند. همچنین ملی‌گرایی در همه‌پرسی برگزیت اثر پنهان‌نشده‌ای داشته است. در واقع ملی‌گرایی موجود در میان بریتانیایی‌ها بیشتر مربوط به تمایل به حفظ اتحادیه پادشاهی و مقاومت در برابر اتحادیه اروپاست (Heath and Roberts, 2008).

افرادی که به فرهنگ بریتانیایی نزدیک‌اند، به احتمال زیاد احساس یک انحصار از هویت بریتانیایی دارند و بر این باورند که حفظ اجداد بریتانیا برای حقیقت آنها لازم است. ولی این ویژگی اجتناب‌ناپذیر هویت ملی نیست، بلکه چه‌بسا منعکس‌کننده نوع نگاه به هویت بریتانیاست که در طول زمان ساخته شده و گسترش یافته است (Avery, 2016). آنان باور دارند که هویتشان از چنان ویژگی‌هایی برخوردار است که توانسته همواره خورشید را بر فراز سرزمین‌هایش داشته باشد. به‌گونه‌ای رمانتیک می‌توان گفت که تالو خورشید مترادف با تالو هویت و ارزش‌های ملی بریتانیاست. آنان مغرورانه خود را متفاوت از سایرین می‌پندارند. با این همه قسمت غم‌انگیز ماجرا به افول نسبی این قدرت در نیمه سده بیستم برمی‌گردد. مجموعه عواملی انگلستان را از صدر قدرت جهانی به مراتب پایین‌تر کشاند. آنان با انتخاب برگزیت درصدد اعتلای خود بودند و در این مسیر، ملی‌گرایی را اسبابی برای اعتلای هویت خویش و از این رو اعتلای جایگاه کشورشان می‌دانند.

۵.۲.۵. فرهنگ آنگلساکسون

در سطح اروپا سه فرهنگ عمده (فرانکوفون، ژرمنوفون و آنگلوآفون)^۱ وجود دارد که رهبری هر کدام از آنها را به ترتیب فرانسه، آلمان و انگلیس بر عهده دارند. پایه و اساس هر یک از این فرهنگ‌ها زبان آنهاست. آنگلساکسون‌ها، ملت‌هایی هستند که زبان انگلیسی، زبان رسمی آنهاست و در هر نقطه از دنیا که پراکنده باشند، به این زبان سخن می‌گویند (Britannica, 2016). با گسترش زبان انگلیسی، فرهنگ آنگلساکسون نیز گسترش پیدا کرده است و امروزه با گسترش زبان انگلیسی، تلاش می‌شود که این حوزه فرهنگی، در جهان توسعه یابد. به نظر می‌رسد به همین علت آنگلساکسونی بودن انگلیس و احساس نزدیکی بیشتر آنها به آمریکا،

1. Francophone, Germanophone, Anglophone

استرالیا و کانادا نسبت به اتحادیه اروپا، آنها خود را تافته جدا بافته دانسته و از اتحادیه اروپا دوری گزیده‌اند.

۵.۲.۶. زبان انگلیسی

منظور از نقش زبان در فرهنگ سیاسی بیشتر به جایگاه آن زبان به‌ویژه در سطح بین‌المللی اشاره دارد که می‌تواند منبعی از غرور و آگاهی ملی باشد. زبان انگلیسی زبان نخست علم، سیاست و اقتصاد در جهان است، به طوری که به‌نوعی برند بریتانیا شده است. در همین مورد، مارک رابسون می‌گوید: «زبان انگلیسی برای ما هویت‌ساز بوده و ما را در ذهن صدها میلیون نفر در سراسر جهان نگه می‌دارد، حتی زمانی که آنها با ما صحبت نمی‌کنند». این مسئله سبب افزایش غرور ملی در میان مردم انگلستان شده است (Gamble, 2021: 108-110). در مجموع با آگاهی از چنین ظرفیتی که زبان انگلیسی دارد، مردمان آن احساس خاص‌بودگی به خود دارند و چنین آموزه‌هایی را به سطوح بالایی قدرت سیاسی تزریق می‌کنند (British Council, 2017). نکته جالب توجه این است که هژمونی زبان انگلیسی آنچنان در اتحادیه اروپا درونی شده است که یکی از مهم‌ترین مسائل پس از وقوع برگزیت این بوده است که «انگلیس از اتحادیه اروپا خارج می‌شود، درحالی که زبان انگلیسی همچنان ادامه دارد» (Modiano, 2023: 149-154).

۵.۲.۷. رویکرد ادبی و اندیشه‌ای محافظه‌کارانه

درباره تأثیر ادبیات بر فرهنگ سیاسی مردم یک جامعه، دوتوکویل بیان می‌کند که نویسندگان هوشمندانه سلیقه‌ها، گزینه‌ها و ویژگی‌های عجیب و غریب یک ادیب را به مردم کشورشان القا کرده و سپس گرایش‌های ادبی‌شان را وارد سیاست می‌کنند. در نوشته‌ها و ادبیات انگلیسی، نویسنده بدون نگاه طبقاتی است و تمایزی میان افراد فرادست و اشرافی و افراد فرودست و متعلق به طبقات پایین جامعه نمی‌گذارد. در ادبیات و آثار انگلیسی هیچ خبری از خشونت و کنش انقلابی نیست و حتی نویسندگان رمانتیک انگلیسی عمل‌گرا و واقع‌بین بودند. در واقعیت نیز با اینکه انقلاب‌های متعدد در بسیاری از کشورهای اروپایی رخ دادند، انگلستان با پشت سر گذاردن آرام دوره‌ای از اصلاحات، کمترین فرایند انقلابی را تجربه نکرد و انقلاب معروف ۱۶۸۸ آن بدون هیچ‌گونه خشونت و خونریزی رخ داد (Zibakalam and Mirbod, 2010: 153-158). به لحاظ اندیشگی نیز، انسان‌شناسی معاصر انگلستان متأثر از اندیشه‌های هابز انسان را موجودی خودخواه و گزینه‌جو می‌داند، و از این مبنا کنترل این آرزوهای و گرایش‌ها ضرورت می‌یابد. با تن دادن به این واقعیت تلخ درباره انسان در اندیشه معاصر انگلستان جامعه خواه‌ناخواه به سمت نوعی محافظه‌کاری و احتیاط پیش رفته است. نکته حائز اهمیت این است

که این‌گونه نگرش‌ها و رویکردها تأثیر خود را در تحولات داخلی و بین‌المللی این کشور نهاده است که برگزیت از این چشم‌انداز نیز درک‌شدنی است.

۵.۲.۸. ویژگی‌ها، خلق و خوی ملی

استنلی هافمن معتقد است که هر ملتی دارای سبک و سیاق، روحیه و روانشناسی ویژه خود است که در سیاست خارجی آنها بازتابی شفاف و کامل پیدا می‌کند (Naqibzadeh, 2008: 30-36). انگلیسی‌ها افرادی عمل‌گرا و دارای شخصیتی تودرتو و لایه‌های پنهان هستند که نمی‌توان از ظاهر آنها به‌منظور و قصد واقعی‌شان پی برد، و همین مسئله در سیاست خارجی‌شان نیز بازتاب داشته است. عمل‌گرایی انگلیسی‌ها، آنان را در کنار شوروی— دشمن دیروز در جنگ جهانی دوم— قرار داد. شخصیت تودرتو آنان را در مدیریت ۲۵ درصد از جغرافیای جهان در عصر استعمار (Libecap, 2012) و همچنین محافظه‌کاری آنها در خروج از اتحادیه اروپا و دور ماندن از مسائل اتحادیه درک‌شدنی است. واژه فرهنگ مسئولیت در این نظام فکری از مرکزیت ویژه‌ای برخوردار است (Sariolghalam, 2008: 13). آنها قهرمان استفاده از وضعیت موجود هستند و به‌راحتی با هرگونه تغییری کنار نمی‌آیند. بریتانیای کبیر با داشتن چنین شخصیتی حتی پس از اینکه در ۱۹۷۳ تنها به دلایل اقتصادی عضوی از بازار مشترک اروپا شد، خود را در موقعیت دشواری پنداشت. از این‌رو سیاستمداران این کشور از تاجر تا بلر، در فکر تغییر دیدگاه خود مبنی بر کناره‌جویی از اروپای قاره‌ای بودند و حتی چرچیل نیز در سخنرانی معروف خود در زوریخ ۱۹۴۶، بریتانیا را قیم و خیرخواه اروپا دانست و نه جزئی از آن (Gibbins, 2014: 37). Council of Europe, nd یکی از ویژگی‌های مهم بریتانیایی‌ها داشتن سطح بالایی از نبود قطعیت است. منظور اینکه آنها از موقعیت‌های نامشخص یا ناشناخته کمتر احساس خطر می‌کنند. آنها معتقدند که آینده را نمی‌توان شناخت، پس در چنین شرایطی باید اجازه دهیم آینده اتفاق بیفتد و نه آنکه سعی در کنترل آن داشته باشیم (Hofstede-Insights, 2020). همین روحیه نبود قطعیت، آنها را به مردمانی کنجکاو و ماجراجو تبدیل کرده است که با هرگونه دگرگونی‌های پیش‌بینی‌نشده خود را آماده می‌کنند. جمله معروف آنها که «آنچه متفاوت است جذاب است» (Hofstede, 2013: 10-12; Eckhardt, 2002)، بیانگر این امر است و در نتیجه انتخاب برگزیت از این نظر تبیین‌شدنی است.

۵.۲.۹. انگلستان کشوری با ژئوپلیتیک جزیره‌ای

از نگاه سازه‌انگاران پندار ذهنی یک کشور از خود و جایگاه خود در منطقه و نظام بین‌الملل، موجب ساخت سیاست خارجی آن می‌شود (Rohi Dehbaneh, 2009: 906). بریتانیا

جزیره‌ای در حاشیه آتلانتیک است و میان ایرلند و فرانسه قرار دارد (Vaezzadeh, 2016: 533). جغرافیای ویژه آن یعنی جزیره‌ای بودن، سبب جزیره‌ای فکر کردن مردمان این کشور شده است. به دلیل وجود دریایی میان این کشور جزیره‌ای و بقیه اروپا، انگلیسی‌ها خود را آگاهانه یا ناآگاهانه بسیار متفاوت از دیگران می‌بینند. همچنین جزیره‌ای بودن این کشور سبب‌ساز نوعی فرهنگ سیاسی ویژه با عنوان محافظه‌کاری شده است. برگزیت برآمده از اندیشه‌ای محافظه‌کارانه به خود و اروپاست.

۵. ۲. ۱۰. فرآتلانتیک‌گرایی بریتانیا

از نگاه سازه‌نگاران، هویت زمینه‌مند است، یعنی کشورها بر اساس هویت زمینه‌مند، خود را از دیگرانی که صاحب این خصلت‌ها نیستند متمایز می‌کنند، و به تعریف دوستان و دشمنان، رقبا و یا همکاران خود می‌پردازند (Motaghi and Kazemi, 2007: 220). آتلانتیسم^۱ برای نشان دادن نوع ویژه‌ای از هویت و جهت‌گیری سیاست و پیوندهای تاریخی بریتانیا با ایالات متحده و نگرش محتاطانه به همگرایی اروپایی به کار می‌رود (Chernyshev, 2017: 202-209). انگلستان عاقلانه همسویی با امریکا را در پیش گرفته است. این کشور به دلیل محصور نبودن در قاره اروپا، پیوندی عمیق‌تر با امریکا پیدا کرده است؛ گویی نگرانی اروپایی کمتری دارد و همین مسئله سبب شده است تا برای یافتن قدرتی برتر به ورای مرزهای اروپا چشم بدوزد. به سخنرانی معروف چرچیل در کنگره امریکا و مجاب کردن این کشور برای ورود به جنگ جهانی دوم، همسویی تونی بلر با دولت بوش در حمله به عراق، و شواهد تاریخ دیگر نشان می‌دهند که گویی الفتی میان انگلستان و امریکا وجود دارد.

شاید آشکارترین انگاره در بریتانیا بر این باشد که با نزدیکی بیشتر به امریکا، همچنان می‌توان از تصویر بریتانیایی به عنوان یک قدرت برتر جهانی دفاع کرد. به عبارت دیگر، بریتانیا برای حفظ پرستیژ و اعتبار خود بیش از اروپا نیازمند امریکاست و اتحادیه اروپا نمی‌تواند جایگزین خوبی برای حفظ هویت بریتانیایی به عنوان یک قدرت جهانی باشد (Reynolds, 1985: 1-20) و برگزیت نیز از این چشم‌انداز درک‌نشده است.

۵. ۲. ۱۱. انگاره‌ها درباره مهاجران در بریتانیا

مهاجرین و قضیه مهاجرت ضمن تأثیر بر پیکربندی‌های جامعه محل گفت‌وگوهای ملی، و از این رو سازنده نوعی فرهنگ سیاسی ویژه هستند. آن فرهنگ سیاسی برآمده از نوع ادراک نسبت به مهاجرین، بیشتر تبدیل به تقاضاهایی برای حاکمیت می‌شود و حاکمیت بسته به

۱. آتلانتیسم Atlanticism باور به (یا پشتیبانی از) برقراری و حفظ رابطه نزدیک بین اروپای غربی و امریکا.

تقاضاها به چاره‌جویی دست می‌زند. در همه‌پرسی اتحادیه اروپا تصویر آشکاری از نوع نگاه به مهاجرین منعکس شد. همه نظرسنجی‌های معتبر انگلستان همه‌پرسی را بسیار مرتبط با مسئله هویت ملی و چشم‌انداز فرهنگی کشور دانستند. برای نمونه نظرسنجی اشکرافت^۱ در ۲۰۱۶، نشان داد که طرفداران چندفرهنگی، فمینیسم، جهانی شدن، جنبش سبز و مهاجرت به ماندن در اتحادیه اروپا رأی دادند، اما کسانی که رأی به خروج از اتحادیه اروپا دادند، این طرفداران را عامل تقویت‌کننده شرارت می‌دانستند. پس به‌طور کلی، رأی دادن مردم در همه‌پرسی نشان‌دهنده شکاف فرهنگی بزرگ میان کسانی که جامعه کمابیش همگن را ترجیح می‌دهند و کسانی که به جامعه متنوع تمایل دارند، است (Curtice, 2017:10). در انگلستان مهاجرت توسط رأی‌دهندگان به خروج از اتحادیه اروپا با تهدید درک‌شده برای هویت و فرهنگ ملی این کشور پیوند ناگسستنی دارد، و اهمیت فزاینده ملی‌گرایی قومی پاسخی به ویژگی جامعه چندفرهنگی بریتانیاست که از سوی مهاجران ایجاد شده است.

۵.۲.۱۲. الگوی دولت ناقص و عقب‌مانده در بریتانیا

گفته می‌شود که هرچه جامعه در حل بحران‌های خود ناتوان‌تر باشد، دولت با قوت بیشتری وارد صحنه می‌شود؛ و برعکس در جوامعی که بخش خصوصی توانسته با توسعه صنعت و اقتصاد پولی اداره جامعه را در دست بگیرد، نیاز کمتری به دولت احساس شده است (Badie, 2008:6). در انگلستان نیز توسعه صنعت و اقتصاد به استقلال بخش خصوصی انجامید، به شکلی که نیاز کمتری به دولت احساس شود (Sariolghalam, 2008:3). توسعه سریع سرمایه‌داری و بازار، ساخت دولت را با تأخیر روبه‌رو ساخت و سبب شد تا جامعه مدنی سلطه خود را حفظ کند. در نتیجه عرصه حکمرانی در این کشور از کاربست «بگذار بشود بگذار بگذرد»، فردگرایی و سازوکارهای بازار اثر عمیقی پذیرفته است (Badie, 2008:184). به‌خودی‌خود چنین نظام سیاسی اجازه و ظرفیت بلوغ را به شهروندان می‌بخشد و در بستر یک چنین مدارا و آزاداندیشی شهروندان آزادانه و همراه با اراده درباره مسائل داخلی و خارجی کشور خود فکر و اقدام می‌کنند. از این‌رو فرهنگ سیاسی جامعه در چنین حالتی ویژگی مشارکت‌جویانه به خود می‌گیرد.

۵.۲.۱۳. نظام حقوقی غیرمدون (کامن‌لا)

نظام حقوقی و قوانین یک کشور به‌قدری تأثیرگذارند که هم فرهنگ سیاسی و هم ثبات سیاسی همواره به کارایی آنها وابسته‌اند. نوع نظام حقوقی انگلستان نظام رویه قضایی

(کامن‌لا)^۱ است. قانون اساسی در بریتانیا مجموعه‌ای از عناصر دربرگیرنده تأثیر و بازمانده‌های آداب و سنت‌ها و برآمده از عرف و رویه است تا یک مجموعه حقوقی. در نتیجه، نوعی محافظه‌کاری در نظام قضایی انگلیسی به چشم می‌خورد (O'Connor, 2012:3). این نوع نظام حقوقی نشان از آن دارد که در مجموع دیوان‌سالاری (بوروکراسی)^۲ این کشور در همه ابعاد آن کوچک است. دولت و ساختار حکومتی در بریتانیا بزرگ نیست، در نتیجه از بستر چنین نظام حقوقی است که همه‌پرسی به‌عنوان یک مسئله سیاسی ملی برگزار می‌شود. به‌عبارت دیگر، همان‌گونه‌که در نبود قانون مدون، نگاه قضات و رویه آنهاست که در دستگاه قضایی تعیین‌کننده است، در مقولات سیاسی از جمله همه‌پرسی، مردم یا بیشتر آنها دیدگاهی دارند که به تصمیم حاکمیتی تبدیل می‌شود. روی هم رفته در این کشور اراده‌ها بیشتر سخن می‌گویند تا نظام بوروکراتیک.

۳.۵. فرهنگ سیاسی انگلیس و تأثیر آن بر برگزیت از منظر سازه‌انگاری

سازه‌انگاران معتقدند سیاست خارجی به‌طور اجتناب‌ناپذیری با دیدگاه یک ملت نسبت به خود مرتبط است. هرچه کشور بزرگ‌تر و قدرتمندتر باشد، نقش بین‌المللی آن به‌عنوان بخشی از اسطوره ملی آن مهم‌تر است (Tugendhat and Wallace, 1988). به باور سازه‌انگاران سیاست خارجی درباره هویت ملی یک کشور و ادراک از نقش بین‌المللی‌ای است که یک ملت خود را برای آن مناسب می‌بیند و این امر را فرهنگ سیاسی آن ملت هدایت می‌کند (Aggestam, 2005:12). به گفته سازه‌انگاران، «این توانایی‌های مادی نیست که جایگاه را تعیین می‌کند، بلکه نگاه ما به جایگاه خود در جهان اهمیت دارد» (Tugendhat and Wallace, 1988). در نتیجه برگزیت و برسانندگی منافع ملی بریتانیا یا اتحادیه اروپا بر اساس اینکه آنها فکر می‌کنند چه کسانی هستند و چه نقشی را باید در جهان ایفا کنند، شکل می‌گیرد. از شواهد تاریخی نشان‌دهنده بلندمدت بودن ریشه‌های گوشه‌نشینی بریتانیا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نخست، تصویر بریتانیا به‌عنوان یک کشور آن‌سوی آب‌ها و منزوی (Tugendhat and Wallace, 1988). دوم، شکاف فلسفی ایجادشده به‌وسیله کانال مانش که بخش مهمی از میراث آن را بی‌شک می‌توان در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه یافت؛ انقلابی که برای سنت سیاسی بریتانیا مظهر بسیاری از ویژگی‌های منفور بود و این شکاف میان بریتانیا و اروپای قاره‌ای با گستره وسیعی از اختلاف‌های ارزشی تقویت می‌شد. سوم، انگاره یک کشور قوی همراه با تاریخی

1. Common Law
2. Bureaucracy

غنی، رفتار بریتانیا را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد، و به همین دلیل این کشور اغلب مایل نبود خود را به آرمان‌هایی پایبند کند که نقش آن را در جهان کاهش می‌داد (Geddes, 2004). در واقع بریتانیا به‌عنوان یک کشور جزیره‌ای کوچک‌تر که همچون همیشه از سواحل اروپای قاره‌ای جدا افتاده است، افزون‌بر بسیاری از قلمروهای کوچک‌تر آن در سرتاسر جهان، تنها نمایانگر تکه‌ای کوچک از یک امپراتوری است که مدت‌ها از فروپاشی آن می‌گذرد، اما یادش فراموش نشده است. بنابراین، هویت بریتانیا مورد مناقشه است، زیرا هنوز هم خود را قدرتی بسیار بزرگ‌تر از آنچه امروز است، می‌پندارد. اگرچه دوران امپراتوری بریتانیا به سررسیده است، این کشور در پی رسیدن به جایگاه قدرت بزرگی همچون هژمونی است که بتواند بر سیاست جهانی تأثیر بگذارد (Geddes, 2004). بهترین توصیف از این وضعیت را «دین آپسون»^۱ در سخنرانی خود در یک آکادمی نظامی ایالات متحده در ۱۹۶۲ ارائه کرد: «بریتانیا امپراتوری خود را از دست داده و هنوز نقشی نیافته است. تلاش برای ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت مجزا— یعنی نقشی جدا از اروپا، مبتنی بر رابطه‌ای ویژه با ایالات متحده و مبتنی بر ریاست مجموعه کشورهای «هم‌سود» که بدون ساختار سیاسی، اتحاد یا قدرت است— تا حدودی اجرایی شده است» (Brinkley, 1990) و همان‌طور که فرید زکریا بیان کرد، «برگزیت پایانی بر نقش بریتانیا به‌عنوان یک قدرت بزرگ را رقم می‌زند، اما شاید اکنون زمانی باشد که بحران هویت فروکش کند، و سرانجام انگلستان نقش خود را در جهان پیدا کند که البته به خواسته خود برگزیده است» (Zakaria, 2019: 21).

۶. نتیجه

شکل ورود بریتانیا به اتحادیه اروپا و نبود همدلی واقعی، و سرانجام ایمان نداشتن به منافع این اتحاد به در پیش گرفتن تصمیم و سیاست واگرایانه‌ای منجر شد که نشان از آن داشته و دارد که اتحادیه اروپا از نظر بریتانیایی‌ها دیگر آن جذابیت پیشین را ندارد. مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار بر روی این تصمیم، نوع فرهنگ، و به‌ویژه فرهنگ سیاسی مردم بریتانیا در برخورد و رویارویی آنها با چنین مسئله‌ای است. از مجموعه آنچه در این پژوهش درباره عناصر سازنده فرهنگ سیاسی بریتانیا ارائه شد، می‌توان نوعی گرایش آشکار به محافظه‌گرایی را مشاهده کرد. در واقع، بریتانیا یکی از کشورهای پیروز در جنگ جهانی دوم بوده، پیشینه امپراتوری داشته و در حاشیه قاره اروپا قرار گرفته است که همگی بر سیاست بریتانیا تا به امروز تأثیر گذاشته است. انگاره یک کشور قوی همراه با تاریخی غنی، همواره رفتار بریتانیا را به شدت تحت تأثیر

۱. دین آپسون Dean Acheson وزیر امور خارجه ایالات متحده در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۳ و مشاور رئیس‌جمهور این کشور بود.

قرار می‌داد و به همین دلیل این کشور اغلب مایل نبود خود را به آرمان‌هایی پایبند کند که نقش آن را در جهان کاهش دهد.

امروزه بریتانیا به‌عنوان یک کشور جزیره‌ای کوچک‌تر از همیشه، از سواحل اروپای قاره‌ای جدا افتاده است؛ و حتی با افزودن بسیاری از قلمروهای کوچک‌تر آن در سرتاسر جهان، تنها نمایانگر تکه‌ای کوچک از یک امپراتوری است که مدت‌ها از فروپاشی آن می‌گذرد، اما یادش فراموش نشده است. بنابراین، هویت بریتانیا مورد مناقشه است، زیرا هنوز هم خود را قدرتی بسیار بزرگ‌تر از آنچه امروز است، می‌پندارد. اگرچه دوران امپراتوری بریتانیا به سر رسیده است، اما این کشور در پی رسیدن به جایگاه یک قدرت بزرگ است که بتواند بر سیاست جهانی تأثیر بگذارد.

بر اساس این سبک فرهنگ سیاسی، خروجی باور عموم مردم و نخبگان بریتانیا این بود که کمتر درگیر اروپای قاره‌ای شود، و گونه‌ای انزوایی خودخواهانه، گزینشی و ازاین‌رو منفعت‌طلبانه را در پیش بگیرد، و مشکلات اروپا را به بقیه اروپایی‌ها واگذار کند. در اینجا منظور از انزوایی گزینشی اشاره به مسئولیت‌پذیر نبودن در برابر بحران‌های اتحادیه اروپا و سیاست‌های جمعی آن در وضعیت‌های غیرعادی دارد؛ اما در مورد مسائلی — مانند مسائل مرتبط با منافع این کشور در خاورمیانه و مسائل مشابه فرااروپایی — که هزینه‌ای برای این کشور ندارد، تلاش می‌کند برای افزایش وزن سیاسی خود در کنار بازیگران قدرتمند اروپایی قدم بردارد.

قدردانی

لازم است از معاونت پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران و فصلنامه سیاست دانشگاه تهران بابت همکاری و همفکری ایشان قدردانی به عمل آید.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Aggestam, L. (2005). A European Foreign Policy? Role Conceptions and the Politics of Identity in Britain, France and Germany, PhD Dissertation, Department of Political Science, Stockholm University, Stockholm, Sweden. Available at: <https://swepub.kb.se/showrecord> (Accessed 5 May 2004).
2. Agha Mohammadi, I. (2016). "Emkân'sanji-ye bekâr'giri-ye nazarieh'hā-ye ham'gerāi dar tahlil-e bohrān-e eropā, The Feasibility of Using Integration

- Theories in the Analysis of the European Crisis," *Fasl' nāmeḥ-ye motālē'āt ravābet-e bein'ol-melal*, *International Relations Studies Quarterly*, 35, 9: 9-43. Available at: https://journals.iau.ir/article_526854.html (Accessed 12 July 2022). **[In Persian]**
3. Aghai, S.D; Rasooli, E. (2009). "Sāzeh' engāri and siyāsāt-e khāreji-ye Jomhouri-e eslāmī-ye Iran dar ghebāl-e esrāil (Constructivism and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran towards Israel)," *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsāt, Politics Quarterly*, 39, 1: 1-16. Available at: https://jpu.ut.ac.ir/article_20142.html (Accessed 18 July 2022). **[In Persian]**
 4. Ajili, H; Falahi Barzegi, M. (2017). "Brexit and payāmad'hā-ye siyāsi and eghtesādi-ye ān (Brexit and its Political and Economic Consequences)," *Fasl' nāmeḥ-ye pajohesh'hā-ye siyāsi and bein'ol-melali, Political and International Research Quarterly*, 8: 32: 1-33. Available at: https://jpir.takestan.iau.ir/article_532327.html (Accessed 12 July 2022). **[In Persian]**
 5. Aqai, L. (2019). Report: Contingency Planning- The 1975 and 2016 Referendums. Cambridge, UK: Bennett Institute for Public Policy, University of Cambridge. Available at: https://www.bennettinstitute.com.ac.uk/wp-content/uploads/2020/12/Contingency_Planning_1975_and_2016.pdf (Accessed 10 June 2022).
 6. Avery, G. (2016). "Scotland and the European Union," Policy Brief, European Policy Centre in the Archive of European Integration, University of Pittsburgh (aei.pitt.edu). Available at: <http://aei.pitt.edu/id/eprint/77651> (Accessed 22 March 2020).
 7. Badie, B. (2008). *Jāme'eh'shenāsi-ye dolat (Sociology of the State)*, trans. Ahmad Naqibzadeh. Tehran: Qoms. **[In Persian]**
 8. Brinkley, D. (1962). "Dean Acheson and the 'Special Relationship- The West Point Speech of December 1962," *The Historical Journal* 1990: 599-608, <DOI: 10.1017/S0018246X00013546>.
 9. Britannica, the Editors of Encyclopaedia. (2016). "Angle," *Encyclopedia Britannica*. Available at: <https://www.britannica.com/topic/Angle-people> (Accessed 23 July 2020).
 10. British Council. (2017). "The English Effect: The Impact of English, What it's Worth to the UK and Why it Matters to the World," British Council 2013/D096 (britishcouncil.org). Available at: <https://www.britishcouncil.org/sites/default/files/english-effect-report-v2.pdf> (Accessed 10 June 2022).
 11. Chernyshev, M.V. (2017). "The Concept of Atlanticism in Time Perspective: Historical Trends and Modern Interpretations," *Bulletin of the Udmurt University (UDC)* 2, 2: 202-210. Available at: <https://cyberleninka.ru/article/n/the-concept-of-atlanticism-in-time-perspective-historical-trends-and-modern-interpretations> (Accessed 10 June 2022).
 12. Christiansen, T; and et al. (2001). *The Social Construction of Europe*. New York, NY: Sage, <DOI:10.1080/135017699343450>.
 13. Churchill, W. (1948). "Winston Churchill, Speech Delivered at the University of Zurich, 19 September 1946," in Council of Europe. (nd) Council of Europe (coe.int). Available at: <https://rm.coe.int/16806981f3> (Accessed 20 March 2020).
 14. Clarke, H.D; and et al. (2017). "Why Britain Voted for Brexit: An Individual-Level Analysis of the 2016 Referendum Vote," *Parliamentary Affairs* 70, 3: 439-464, <DOI:10.1093/pa/gsx005>.
 15. Council of Europe. (nd). "Winston Churchill, Speech Delivered at the University of Zurich, 19 September 1946," Council of Europe (coe.int). Available at: <https://rm.coe.int/16806981f3> (Accessed 20 March 2020).

16. Curtice, J. (2016). "A Question of Culture or Economics? Public Attitudes to the European Union in Britain," *The Political Quarterly* 87, 2: 209-218, <DOI:10.1111/1467-923X.12250>.
17. Eckhardt, G. (2002). "Review- Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions and Organisations Across Nations," *Australian Journal of Management* 27, 1: 89-94, <DOI:10.1177/ 031289620202700105>. Available at: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/031289620202700105?journalCode=auma> (Accessed 14 June 2022).
18. Gamble, A. (2021). "The Brexit Negotiations and the Anglosphere," *The Political Quarterly* 92, 1: 108-112, <DOI:10.1111/1467-923X.12957>.
19. Gaston, S; Hilhorst, S. (2018). "Nostalgia as a Cultural and Political Force in Britain, France, and Germany... At Home in One's Past," *Demos* (demos.co.uk). Available at: <http://www.demos.co.uk/wp-content/uploads/2018/05/At-Home-in-Ones-Past-Report.pdf> (Accessed 10 June 2022).
20. Geddes, A. (2004). *The European Union and British Politics*. London, UK: Palgrave Macmillan.
21. Gibbins, J. (2014). "The European Communities Membership Referendum," in *Britain, Europe, and National Identity: Self and Other in International Relations*. London, UK: Palgrave Macmillan, 35-79, <DOI: 10.1057/9781137376343_3 >.
22. Heath, A.F.; Roberts, J. (2008). "British Identity: Its Sources and Possible Implications for Civic Attitudes and Behaviour," *Citizenship: Our Common Bond, Lord Goldsmith's Citizenship Review*, 84-87. Available at: <https://www.temaasyl.se/Documents/Offentliga%20dokument%20%20mC3%B6vriga%20EU/Citizenship%20Our%20Common%20Bond.pdf> (Accessed 20 March 2020).
23. Hofstede, G. (2013). *Culture's Consequences: Comparing Values, Behaviors, Institutions and Organizations across Nations*. Thousand Oaks, CA; Sage.
24. Hofstede-Insights. (2020). "Country Comparison Tool: France and the UK." [Hofstede-insights.com](https://www.hofstede-insights.com/country-comparison-tool). Available at: <https://www.hofstede-insights.com/country-comparison-tool> (Accessed 20 March 2020).
25. Hopf, T. (1998) "The Promise of Constructivism in International Relations Theory," *International Security* 23, 1: 171-200, <DOI:10.1162/isec.23.1.171>.
26. Idowu, S.O. (2009). "The United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland," in Samuel O. Idowu and Walter Leal Filho, eds. *Global Practices of Corporate Social Responsibility*, 11-35. Berlin and Heidelberg: Springer-Verlag, <DOI:10.1007/978-3-540-68815-0_1>.
27. Iovan, M. (2015). "The Political Culture; Political Socialization and Acculturation," *Journal of Legal Studies* 16, 29: 26-47. Available at: <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=468988> (Accessed 20 March 2020).
28. Jolivett, C. (2017). *Landscape, Art, and Identity in 1950s Britain*. London: Routledge.
29. Khorasani, R. (2008). "Jāyegāh and naghsh-e ghodrat-e farhangi dar siyāsāt-e khāreji and tasir-e ān bar ravand-e tahavolāt-e jahāni, The Position and Role of Cultural Power in Foreign Policy and its Impact on the Process of Global Developments," *Fasl' nāmeḥ-ye oloom-e siyāsī, Political Science Quarterly*, 41, 1: 118-134. Available at: <https://ensani.ir/fa/article/84106> (Accessed 18 July 2022). **[In Persian]**
30. Kiss, Z; Park, A. (2014). "National Identity: Exploring Britishness," *NatCen Social Research*. Available at: https://www.bsa.natcen.ac.uk/media/38984/bsa31_national_identity.pdf (Accessed 20 March 2020).

31. Libecap, G.D. (2012). "The Bright Side of British Colonialism," Hoover Institution Defining Ideas. Available at: <https://www.hoover.org/research/bright-side-british-colonialism> (Accessed 20 March 2020).
32. Medrano, J.D (2021). "Framing Europe," in Framing Europe. Princeton, NJ: Princeton University Press, <DOI:10.1515/9781400832576>.
33. Miller, W.L; and et al. (1996). Political Culture in Contemporary Britain. London, UK: Clarendon Press.
34. Modiano, M. (2023). "The Future of British English in the European Union: What Standard Will the EU Adopt in the Post-Brexit Era?" English Today 39, 2. 149-154, <DOI: 10.1017/S0266078422000244> Available at: <https://www.cambridge.org/core/journals/english-today/article/future-of-british-english-in-the-european-union> (Accessed 19 May 2022).
35. Motaghi, I; Kazemi, H. (2007). "Sāzeh'engāri, hoviyaṭ-e zabān and siyāsāt-e khāreji-ye Jomhouri-e eslāmī-ye Iran (Constructivism, Language Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran)," Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt, Politics Quarterly, 37, 4: 209-237. Available at: https://jppq.ut.ac.ir/article_19248.html (Accessed 25 May 2022). **[In Persian]**
36. Mousavizadeh, A (2013). Jariyān'shenāsi-ye ahzāb and nokhbeḡān-e siyāsi dar britiniā-ye modern-e gharn-e bisto'yekom, Trend Analysis of Political Parties and Elites in the Modern 21st Century Britain, Tehran: Abrar-e mo'āser. **[In Persian]**
37. Naqibzadeh, A (2008). "Tasir-e farhang-e melli bar siyāsāt-e khāreji: mored-e Jomhouri-e eslāmī-ye Iran, The Impact of National Culture on Foreign Policy: The Case of the Islamic Republic of Iran," Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt-e khāreji, Journal of Foreign Policy, 13, 3: 637-650. Available at: <http://ensani.ir/fa/article/download/97886> (Accessed 25 May 2022). **[In Persian]**
38. Nazari, A.A. (2020). "Pay'joei-ye āyandeh dar gozashteh and bāz'namāi-ye amr-e nostālgic dar Irān-e mo'āser, Search for the Future in the Past and the Representation of the Nostalgic in the Contemporary Iran," Pajohesh'nāmeḥ-ye oloom-e siyāsī, Journal of Political Science, 15, 3: 201-236, <DOI:10.22034/ipsa.2020.412>. **[In Persian]**
39. O'Connor, V. (2012). "Common Law and Civil Law Traditions," Social Science Research Network (ssrn.com). Available at: <https://ssrn.com/abstract=2665675>; <DOI: 10.2139/ssrn.2665675>.
40. Portes, J. (2016). "Immigration, Free Movement and the EU Referendum," National Institute Economic Review 236: 14-22, <DOI:10.1177/002795011623600103>.
41. Reynolds, D. (1985). "A Special Relationship? America, Britain, and the International Order since the Second World War," International Affairs 62, 1: 1-20, <DOI:10.2307/2618063>.
42. Rohi Dehbaneh, M. (2009). "Rāvābet-e farhang and diplomāci dar siyāsāt-e khāreji-ye farānseh, The Relationship between Culture and Diplomacy in French Foreign Policy," Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt-e khāreji, Journal of Foreign Policy, 23, 4: 901-936. Available at: <https://www.magiran.com/paper/727220> (Accessed 12 July 2022). **[In Persian]**
43. Roudgar, I. (2021). "Theory of Political Culture the Origin of Conflict in the International System," Social Science Research Network (ssrn.com). Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3841791 <DOI:10.2139/ssrn.3841791> (Accessed 18 July 2022).
44. Salehi, H; and et al. (2018). "Tasir-e Brexit bar siyāsāt-e dākheli and khāreji-ye ingilis, The Impact of Brexit on the Domestic and Foreign Policy of England,"

- Fasl'nāmeḥ-ye rāhbord-e siyāsi, *Journal of Political Strategy*, 2, 5: 101-131. Available at: https://www.rahbordsyasi.ir/article_140938.html (Accessed 25 May 2022). **[In Persian]**
45. Sariolghalam, M. (2008). *Farhang-e siyāsi-ye Iran*, Political Culture of Iran, Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. **[In Persian]**
 46. Sazemand, B. (2009). *Mantagheh'gerāi and hoviat-e moshtarek dar jonob-e shargh-e āsiyā*, Regionalism and Common Identity in Southeast Asia, Tehran: IPIS. **[In Persian]**
 47. Shi, T. (2008). "British National Identity in the 21st Century," *Intercultural Communication Studies* 17, 1: 102-114. Available at: <https://www.s3-live.kent.edu/s3fs-root/s3fs-public/file/11-Tongyun-Shi.pdf> (Accessed 10 June 2022).
 48. Stewart, H; and et al. (2018). "David Cameron Resigns after UK Votes to Leave European Union," *The Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/politics/2016/jun/24/david-cameron-resigns-after-uk-votes-to-leave-european-union> (Accessed 10 June 2022).
 49. Tugendhat, Ch; Wallace, W. (1988). *Options for British Foreign Policy in the 1990s*, Chattam House Papers, V. 44. London: Routledge, for the Royal Institute of International Affairs.
 50. Vaezzadeh, H. (2016). "Jāygāh-e nazariyeh zheopolitick-e makinder dar siyāsāt'hā-ye Jahāni-ye britāniā, The Position of Mackinder's Geopolitical Theory in British Global Policies," *Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt*, *Politics Quarterly*, 46, 2: 551-531. Available at: https://jpq.ut.ac.ir/article_57947.html (Accessed 25 May 2022). **[In Persian]**
 51. Young, J.W. (1985). "Churchill's 'No 'to Europe: The 'Rejection 'of European Union by Churchill's Post-War Government, 1951–1952," *The Historical Journal* 28, 4: 923-937. Available at: <https://www.cambridge.org/core/journals/historical-journal/article/abs/churchills-no-to-europe-the-rejection-of-european-union-by-churchills-postwar-government> (Accessed 11 February 2019).
 52. Zakaria, F. (2019). "Opinion- Brexit will Mark the End of Britain's Role as a Great Power," *The Washington Post*. Available at: https://www.washingtonpost.com/opinions/globalopinions/brexit-will-mark-the-end-of-britains-role-as-a-greatpower/2019/03/14/5df139fa-468c-11e9-8aab95b8d80a1e4f_story.html (Accessed 20 March 2020).
 53. Zibakalam, S; Mirbod, S.M. (2010). "Baressi-ye tatbighi-ye engāreh'hā-ye ensān'shenāsāneh dar adabiyāt and tasir-e ān bar farhang-e siyāsi, A Comparative Study of Anthropological Ideas in Literature and their Impact on Political Culture: The Case of France and England in the 19th Century," *Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt*, *Politics Quarterly*, 40, 3: 151-170. Available at: https://jpq.ut.ac.ir/article_29567.html (Accessed 25 May 2022). **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press.
 This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



